



حیات انسان و موجودات آسمانی از منظر قرآن کریم

* محبوبه اکبری

* چکیده

بشر از ابتدای خلقت، با مسئله حیات(زندگی) درگیر بوده و سؤالات مربوط به این مقوله، همواره ذهن او را به خود مشغول کرده است. همواره در کتب آسمانی، در این خصوص، مباحثی مطرح شده تا در فهم بشر، او را از این مسئله، آگاه سازد؛ خصوصاً در قرآن، آیات بسیار زیادی به این مسئله اشاره دارند. در این نوشتار که به روش کتابخانه ای و اسنادی انجام شده و به ذکر مطالب مهمی در زمینه معنای لغوی و اصطلاحی حیات، معنای حیات در قرآن، مهمترین آثار و لوازم حیات، مصادیق حیات در قرآن و مراتب آن پرداخته است سعی می شود که مسئله حیات(زندگی) از نظر قرآن، مورد بررسی قرار گیرد تا برخی از زوایای مجهول آن، روشن گردد.

* کلید واژه :

قرآن - حیات - لوازم - مصادیق - مراتب.

* مقدمه:

یکی از جالب ترین مسائل علوم طبیعی پدیده ی (حیات) است . حیات به معنای زندگی در مقابل مرگ است . (لسان العرب ، ج ۲، ص ۴۲۴) و در وجوه و موارد مختلف به کار می رود ۱- قوه نامیه ی که در نباتات و حیوانات وجود دارد . ۲- قوه حس کننده ای که ملاک حیوانیت حیوان است ۳- قوه عاقله ۴- حیات اخروی ابدی که عقل و علم است . ۵- حیاتی که خداوند بدان وصف می شود و معنایش این است که مرگ و نیستی برای او نیست. در قرآن کریم رابطه آب

* کارشناس ارشد رشته الهیات، گرایش فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

و حیات و حیات گیاهان ، حیوانات، انسان، انبیاء مطرح گردیده است . از جمله مسائل قابل توجه در موضوع حیات ، حیات زمین و پیدایش حیات زمین است که در آیات ۶۴ بقره ، ۵۷ اعراف ، ۵ و ۶ حج ، ۴۸ و ۴۹ فرقان ، ۶۳ عنکبوت ، ۲۴ و ۴۸ و ۵۰ روم و ۳۳ یس و ۳۹ فصلت و ۱۱ زخرف و ۵ جاثیه و ۱۱ و ۹ قاف و ۱۷ حدید و ۲۵ و ۲۶ مرسلات مطرح گردیده است و مفسران قرآنی سعی بر توضیح و تعریف حیات و مفاهیم آن داشته اند و تا اندازه ای خواص و آثار آن را تبیین نموده اند .

❁ معنای لغوی حیات

در اقرب الموارد، الحیاء به معنی "نقیض الموت" و الحی به معنی "ضد المیت" آمده است. (الخوری الشرتونی اللبانی، ۱۸۸۹، ج ۱، ص ۲۵۱) در مجمع البحرین نیز الحی به همین معنا به کار رفته است. (الطریحی، ۱۳۶۷، ج ۱ و ۲، ص ۶۱۲) در فرهنگ دهخدا حیات به معنای ذیل آمده است: عمر، زیست، زندگی، مقابل مات. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۲۴۳) حی نیز به معنای زنده و مقابل میت می باشد و نیز نامی است از نام های خدای تعالی به معنای زنده همیشه. (همان)

❁ معنای اصطلاحی حیات:

همواره تعریف مفهوم مهم حیات و نیز آغاز و فرجام آن، معرکه ی آراء و عرصه ی چند و چون فیلسوفان و اهل شریعت و تفسیرگران قرآن بوده و پیرامون آن به اظهارنظر پرداخته اند.

❁ معنای حیات در قرآن کریم

به طور کلی معنای حیات در قرآن را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

(۱) به معنی وجود و هستی؛ با توجه به این معنی حیات است که وجود مطلق را "حیات ساریه" نامیده اند. (سبزواری، بی تا، ص ۲۳۸) در قرآن کریم، "احیا"، بر ایجاد و آفریدن اطلاق شده است. چنان که می فرماید ﴿وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ﴾^۱ اوست خدایی که شما را اول بار زنده کرد و دیگر بار بمیراند سپس شما را زنده می کند . با وجود این آیت قدرت و

نعمت بزرگ، باز) انسان بسیار ناسپاس و کافر کیش است). کلمه احیایم معادل با کلمه ی «خلقکم» در آیه ۴۰ سوره روم ۲ می باشد. نقطه ی مقابل حیات در این کاربرد، عدم ونیستی است.

۲) حیات به معنی مترتب شدن آثار مطلوب هر چیز بر آن؛ و نقطه ی مقابل حیات در این کاربرد، مترتب نشدن آثار مطلوب یک چیز بر آن است. مثلا حیات انسان به این است که در مسیر هدایت فطری گام بردارد. به همین دلیل، قرآن کریم دین را حیات انسان دانسته زیرا دین حق که همان اسلام است مقتضای فطرت الهی می باشد. (طباطبائی، ۱۳۸۹-۱۳۹۱ ق، ج ۱۰، صص ۵۱ و ۵۲)

۳) حیات، عبارت است از خصوصیتی در موجود که منشأ انجام کارهای آگاهانه است. این گونه حیات در انواع مختلف حیوانات یافت می شود و با کاوش های علمی، روشن شده است که در گیاهان نیز (لااقل در برخی از آنها) وجود دارد. این گونه حیات، ویژگی هایی دارد که عبارتند از: صیانت ذات، انطباق با محیط، خوی و عادت، تغذیه، رشد و نمو، تولید مثل یا ادامه حیات از طریق بقای نسل، هدفداری و انتخابگری، آگاهی و توانایی. دو ویژگی اخیر (آگاهی و توانایی) از مهمترین آنهاست و در انسان، نمود و بروز بیشتری دارد.

❁ مصادیق حیات در قرآن کریم

۱) حیات نباتی: مانند آیه ۱۷ سوره حدید، آیه ۱۱ سوره ق، آیه ۳۰ سوره انبیاء، آیه ۱۹ سوره روم.

۲) حیات حیوانی: مانند آیه ۲۶۰ سوره بقره، آیه ۳۹ سوره فصلت، آیه ۲۵۸ و ۲۵۹ سوره بقره.

۳) حیات معنوی (فکری، عقلانی، انسانی، روحی): مانند آیه ۱۲۲ سوره انعام و آیه ۲۴ سوره انفال

۴) حیات دنیوی: مانند آیه ۳۷ و ۳۸ سوره نازعات، آیه ۲۶ سوره رعد، آیه ۷ سوره یونس، آیه ۴۶ سوره کهف، آیه ۲۰ سوره حدید.

۲ - الله الذی خلقکم ثم رزقکم ثم یمیتکم ثم یحییکم هل من شرکانکم من یفعل من ذلکم من شیء سبحانه و تعالی عما یشکرون

۵) حیات برزخی : مانند آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون.

۶) حیات اخروی : مانند آیه ۲۴ سوره فجر، آیه ۶۴ سوره عنکبوت.

۷) حیات به معنی نجات از مرگ : مانند آیه ۱۷۹ سوره بقره.

۸) حیات در مورد ذات باری تعالی که حیات واقعی است : مانند آیه ۲۵۵ سوره بقره، آیه ۲ سوره آل عمران، آیه ۱۱۱ سوره طه، آیه ۵۸ سوره فرقان، آیه ۶۵ سوره غافر.

✽ مراتب حیات

۱) حیات خداوند

﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (او)
خدای زنده ی ابد است و جز او هیچ خدایی نیست پس تنها او را بخوانید و به
اخلاص بنده ی او باشید که ستایش و سپاس مخصوص خدای یکتای آفریدگار
عالمیان است).

۲) حیات ملائکه

همان طور که می دانیم در جهان خلقت، هیچ موجودی بی دلیل و بی فایده
خلق نشده است. یکی از این مخلوقات، ملائکه هستند.

ملائکه، اصناف و طبقات بسیاری دارند، یک صنف از آنها ملائکه زمین و
صنفی، ملائکه هوا و از آنجمله ملائکه آسمانهاست. (نراقی، ۱۳۷۶، ص ۶۰۷)
دسته دیگر، به انجام کارهای مخصوصی از طرف خداوند، گماشته شده اند که
محافظت از زمین و رسیدگی به بعضی امورات بشر و کنترل و نظارت در حرکت
طبیعی جهان به امر و خواست قدرت مطلق هستی، از جمله آنهاست. (همان)
بنابراین هر عملی از اعمال، چه در آسمان و چه در زمین، خالی از ملک یا ملائکه
ای که به آن، موکول می باشند نیست و اینها همه، نشان از حیات ملائکه دارد.

۳) حیات انبیا

پیامبران، برگزیده حق از میان مردمند. آنها والاترین و بهترین چهره های
انسانی هستند که به مقام رسالت و نبوت رسیده اند. انسانی که قلبش از کدورت

حیات انسان و
موجودات آسمانی
از منظر قرآن

هر گونه طغیان و شرک، منزّه است می تواند به مقام رفیع رسالت و نبوت، بار یابد و به آن مقام، برگزیده شود. همه انبیا، توحید ذاتی، صفاتی و عبادی را به مردم می آموزند و هیچ پیامبری نیامد مگر اینکه با دعوت به توحید عبادی، مبعوث شد. همه پیامبران، انسانها را به اعتقاد به مبدأ یکتا و رب یگانه و در نتیجه معبود واحد دعوت می کنند.

همچنین یکی از اصول مشترک بین انبیا، شهادت بر رفتار امت است. هر پیغمبری، شاهد اعمال امت خود می باشد. در اینجا شهادت هم به این معناست که پیامبر، اسوه مردم است یعنی مردم، او را می بینند و به او تأسی می کنند و هم به معنای شهادت بر اعمال است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۶۲) البته باید دانست که شهادت پیامبران، اختصاص به دنیا ندارد بلکه جامع است؛ هم شهادت دنیا را در بر می گیرد و هم شهادت قیامت را و اینها همه حکایت از حیات پیامبران دارند.

پیامبران، از آن جهت که حقند و روح مجرد دارند، هم در قوس نزول با ماورای طبیعت در ارتباطند و هم در قوس صعود به مقام شامخ مجرد تام، راه دارند و از آنجایی که خدای سبحان، همواره می خواهد حق را احقاق و باطل را ریشه کن کند از این رو انبیا و اولیا همواره زنده اند و سنتهای آنان نیز همواره زنده و پاینده می باشد. (همان، ص ۲۶)

۴) حیات شهدا

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ* يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۳

(البته نپندارید که شهیدان راه خدا مردند بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود. آنان به فضل و رحمتی که از خداوند نصیبشان گردیده شادمانند و به آن مؤمنان که هنوز به آنها نپیوسته اند و بعدا در پی آنها

۳-آل عمران / ۱۷۱-۱۶۹

به راه آخرت خواهند شتافت، مژده دهند که از مردن، هیچ نترسند و از خوف متاع دنیا هیچ غم نخورند و آنها را بشارت به نعمت و فضل خدا دهند این که خداوند البته اجر اهل ایمان را هرگز ضایع نگذارد). یکی از اموری که انسان را به سعادت ابدی می‌رساند، شهادت در راه خداست و یکی از ویژگی‌هایی که قرآن کریم برای شهیدان ذکر کرده است مسأله حیات و زنده بودن آنهاست. حال باید بدانیم که منظور قرآن از این حیات چه نوع حیاتی است؟ در این که حیات و زندگی شهیدان چگونه است در میان مفسران گفتگو است، بدون شک ظاهر آیه این است که آنها دارای یک نوع حیات برزخی و روحانی هستند.

(۵) حیات طیبه

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۴ (هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را در زندگانی خوش و با سعادت، زنده ابد می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که کرده به او عطا می‌کنیم). همانطور که می‌دانیم هدف از آفرینش انسان، رشد معنوی و تکامل اوست. تکامل در گرو این است که انسان به اخلاق الهی متخلق شود تا به صفات کمال، آراسته گردد و این می‌تواند بهترین نوع زندگی باشد که قرآن از آن به حیات طیبه یاد می‌کند.

❁ روش دستیابی به حیات طیبه

حال این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان به حیات طیبه دست یافت؟

آنچه که زمینه رسیدن به حیات طیب را آماده می‌کند دو امر است که عبارتند از: جان پاک داشتن (ایمان) و عمل صالح کردن. بنابراین اگر یک انسان کافر، بیمارستانی ساخت، ممکن است از شهرت و تکریم نزد مردم برخوردار باشد ولی آن حیات طیبی که منظور قرآن است برای او نیست زیرا جان او آلوده است چنین کسی چگونه می‌تواند به حیات طیبه برسد؟ (جوادی آملی، ۱۳۷۰، ص ۴۰) از این مطلب این طور بر می‌آید که این نوع زندگی، ویژه ی کسانی

است که دارای ایمان و عمل صالح باشند. البته ایمان راستین، خود، عمل صالح را به وجود می آورد و عمل صالح هم ایمان را زیاد می کند هنگامی که مؤمن در راه انجام عمل صالح، گام بر می دارد به ایمان خود می افزاید و ازدیاد ایمان و رشد و پرورش روحی، کردار شایسته را به دنبال دارد. به این ترتیب، معیار، تنها «ایمان» و «عمل صالح زائیده ی آن» است و دیگر هیچ قید و شرطی نه از نظر سن و سال و نه از نظر نژاد، نه از نظر جنسیت و پایه و رتبه اجتماعی در کار نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳-۱۳۶۶، ج ۱۱، ص ۳۸۶ و مغنیه، ۱۹۸۱، م، ج ۴، ص ۵۵۰)

ایمان، زمینه ی تحقق اعمال صالح است و دلی که مؤمن و خدا باور نباشد هر چند اعمال خوبی داشته باشد بالأخره انگیزه های دیگر در آن تأثیر متقابل دارند. قرآن کریم نیز حیات طیب را از آن کسی می داند که دارای جان با ایمان و کار مثبت باشد. پس دو گروه از حیات طیب بی بهره اند: کسی که جانش با ایمان نباشد گرچه کار مثبت کند بی بهره است، کسی که جانش با ایمان است ولی انسان بی خاصیت و بی اقدام است او نیز بی بهره است. تنها یک گروه از حیات طیب برخوردارند و آن کسانی هستند که جانشان با ایمان و کارشان مثبت باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۰، ص ۵۱)

نتیجه

قرآن کریم فصلی زیبا از حیات و اقسام و اشکال و مصادیق آن را به تصویر کشیده است. که با تدبر در آیات الهی و سیر در آفاق و انفس می توان به کشف حیات و مفاهیم و مصادیق آن پرداخت. از مجموع آنچه که بیان شد مشخص می شود که:

حیات، نیروی درک و فعل می باشد که منشأ علم، آگاهی و اراده است، و حی نیز فعال دراک می باشد. در واقع می توان گفت مفاهیمی که ما از حیات می فهمیم مثل قدرت بر تصرف، قدرت بر حرکت و... مظاهر حیاتند نه خود حیات. بنابراین، در تفسیر معنای حقیقی حیات باید اعتراف نمود که زبان و گفتار از ادای آن، قاصر است و فقط با آثار است که می توان نسبت به آن، معرفت حاصل کرد. حیات که در واقع، کمالی از کمالات وجودی است، دراصل، یک حقیقت

حیات انسان و
موجودات آسمانی
از منظر قرآن

واحد می باشد که دارای مراتب و اقسام مختلفی است که همراه با خصوصیات و آثار مخصوص به خود می باشد. اگر چه ماهیت حیات برای بشر، ناشناخته است لکن آثار و نمودهای حیات در جهان آفرینش از هر چیزی نمایان است. بدین سان با شناخت آثار و مصایق حیات، بهتر می توان به مفهوم و حقیقت آن دست یافت.

❁ مراجع (منابع و مأخذ)

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الخوری الشرتونی اللبنانی، سعید، اقرب الموارد، بیروت، مطبعة موسلی الیسوعیه، ۱۸۸۹
- ۳- الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، بی جا، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷
- ۴- جوادی آملی، عبد الله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۷
- ۵- سیره پیامبران علیهم السلام در قرآن، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۷۹
- ۶- یاد معاد، بی جا، انتشارات رجا، ۱۳۷۰
- ۷- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- ۸- روویر، هانری، حیات و هدفداری، ترجمه عباس شیبانی، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۹-۱۳۵۰
- ۹- سبحانی، جعفر، اصالت روح از نظر قرآن، قم، بی نا، ۱۳۵۸
- ۱۰- سبزواری، هادی بن مهدی، شرح الاسماء الحسنی، قم، مکتبه بصیرتی، بی تا
- ۱۱- شجاعی، محمد، معاد یا بازگشت به سوی خدا، بی جا، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲
- ۱۲- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، اسفار، ترجمه و شرح عبدالله جوادی آملی، تهران، الزهراء، ۱۳۶۸
- ۱۳- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات آخوندی، ۱۳۸۶-۱۳۹۱ ق.
- ۱۴- تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۳۶۳
- ۱۵- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه ابراهیم میر باقری، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰-۱۳۵۰
- ۱۶- طیب، عبدالحسین، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۲
- ۱۷- علوی حسینی موسوی، محمد کریم، تفسیر کشف الحقایق عن نکت الآیات و الدقائق، ترجمه صادق نوبری، چاپ سوم، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۹۶ ق.
- ۱۸- غرویان، محسن، بحثی مبسوط در آموزش عقاید، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۱
- ۱۷- قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ اول، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۴
- ۱۹- مطهری، مرتضی، مقالات فلسفی، بی جا، انتشارات حکمت، بی تا
- ۲۰- احیاء تفکر اسلامی، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱
- ۲۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۵
- ۲۲- مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، چاپ سوم، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۱ م.
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳-۱۳۶۶
- ۲۴- نراقی، احمد، معراج السعاده، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۶